

**بررسی سیر تطور پژوهش‌های مستشرقان درباره نهج البلاغه و بررسی آراء آنها**

محمود واعظی\* / حسین رضایی\*\*

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۶/۱۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۲/۱۳

**چکیده**

در بین میراث مأثور امامیه، نهج البلاغه گنجی گرانبها و مجموعه‌ای از تعالیم معرفتی، عرفانی، دینی، فرهنگی و اجتماعی شیعه است که از دیرباز، مورد توجه عالمان و ادیبان مسلمان واقع شده و اخیراً، سهم فراوانی از پژوهش‌های مستشرقان را نیز به خود اختصاص داده است. مطالعات مستشرقان درباره نهج البلاغه شامل پژوهش‌های مختلفی در جنبه‌های ادبی، حکمی و محتوایی است. در نتیجه این مطالعات و پژوهش‌ها، مستشرقان آراء و نظرات خود در توصیف نهج البلاغه را در قالب عبارت‌های نسبتاً کوتاهی بیان کرده‌اند که ما را در شناخت فهم کلی آنها از نهج البلاغه یاری می‌دهد. پژوهش حاضر که به روش توصیفی-تحلیلی و بر اساس منابع کتابخانه‌ای انجام شده، می‌کوشد تا ضمن بررسی در سیر تطوری پژوهش‌های مستشرقان در خصوص نهج البلاغه، به بازخوانی و نقد دیدگاه، آراء و نظرات آنها بپردازد.

**واژگان کلیدی**

امام علی (علیه السلام)، نهج البلاغه، مستشرقان.

[mvaezi@ut.ac.ir](mailto:mvaezi@ut.ac.ir)

\*. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه تهران.

[hossein.rezaee@ut.ac.ir](mailto:hossein.rezaee@ut.ac.ir)

\*\* . دانش‌آموخته دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه تهران (نویسنده مسئول).



## ۱. مقدمه و طرح مسئله

نهج البلاغه مجموعه سخنان فصیح و بلیغ گزینش شده توسط سید رضی (ره) و یک میراث گران بها برای امامیه به حساب می آید که از نظر بلندای مفاهیم و معانی و معارف روح بخش، در میان کتابهای بشری بی نظیر است. بسیاری از تعالیم معرفتی، عرفانی، دینی، فرهنگی و اجتماعی، از دیدگاه امام علی (علیه السلام) در این کتاب بیان شده؛ موضوعاتی مثل خداشناسی، جهان‌شناسی، انسان‌شناسی، فضایل و رذایل اخلاقی، مسائل اجتماعی و اقتصادی، اشارات تاریخی و مانند آن. چنانکه به عقیده برخی پس از قرآن کریم و احادیث نبوی، مهمترین منبع شناخت اسلام و ارزش‌های دینی همین کتاب است (رشاد، ۱۳۸۰، ج ۱۲، ص ۱۱). همچنین معیار اصلی انتخاب سخنان امام علی (علیه السلام) در این کتاب، چنانکه خود سید رضی (ره) در مقدمه نهج البلاغه به آن اشاره کرده است، فصاحت و بلاغت عنوان شده<sup>۱</sup> و لذا علاوه بر عالمان دینی، از دیرباز مورد توجه ادیبان مسلمان نیز واقع گردیده است. به همین دلیل در تاریخ اسلام، پس از قرآن کریم که اصلی‌ترین و اصیل‌ترین منبع تمامی مسلمانان بشمار می‌رود، کتاب دیگری بسان نهج البلاغه مورد شرح و تفسیر قرار نگرفته است (بروجردی، ۱۳۸۰، ص ۱۲۶). شارحان با انگیزه‌های گوناگون اقدام به شرح‌نویسی می‌کرده‌اند: توضیح واژگان دشواریاب، شرح مبانی کلامی - فلسفی موردنظر، تحلیل و تبیین حوادث تاریخی و ...<sup>۲</sup>

این کتاب تقریباً تا قبل از قرن ۱۶ میلادی در تحقیقات غربی نادیده گرفته می‌شد. تا اینکه همزمان با نخستین گام‌های غربیان در مطالعات اسلامی، که همانا ترجمه آثار اسلامی و شرقی بود (اسعدی، ۱۳۷۶، ص ۲۲۶)<sup>۳</sup>، به تدریج توجه برخی اندیشمندان غربی به سوی نهج البلاغه، مخصوصاً جنبه ادبی آن جلب گردید. در سالهای نزدیک به قرن ۲۱ و با پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال

۱. برخی از دوستان از من خواستند کتابی تألیف کنم که سخنان برگزیده امیر مؤمنان (علیه السلام) در جمیع فنون و بخش‌های مختلف، از خطبه‌ها، نامه‌ها، مواعظ و ادب در آن گرد آید. آنان می‌دانستند این کتاب متضمن شگفتی‌های بلاغت و نمونه‌های ارزنده‌ی فصاحت و جواهر سخنان عرب و نکات درخشان از سخنان دینی و دنیوی خواهد بود که در هیچ کتابی جمع‌آوری و در هیچ نوشته‌ای تمام جوانب آن گردآوری نشده است؛ زیرا امیر مؤمنان منشأ فصاحت و منبع بلاغت و پدیدآورنده آن است؛ گهرهای پنهان بلاغت به وسیله‌ی او آشکار گردیده و قوانین و اصول آن از او گرفته شده است؛ تمام خطبا و سخنرانان به او اقتدا نموده و همه واعظان بلیغ از سخن او استمداد جسته‌اند (سید رضی، ۱۳۹۱، ص ۱۶).

۲. جهت آشنایی بیشتر ر.ک: «نگاهی به شرح‌های نهج البلاغه» مصطفی بروجردی

۳. جهت آشنایی بیشتر در این باب، ر.ک: «مطالعات اسلامی در غرب انگلیسی، از آغاز تا شورای دوم واتیکان (۱۹۶۵)» مرتضی اسعدی.

۱۹۷۹ م، شاهد نگرشی نو و رشد چشمگیری در حوزه مطالعات شیعی هستیم که نهج البلاغه یکی از متون مهم آن محسوب می‌شد. چنانکه در سه دهه اخیر، نهج البلاغه سهم قابل توجهی از پژوهش‌های مستشرقان<sup>۱</sup> را نیز به خود اختصاص داد. منظور از مستشرقان در این تحقیق، عمدتاً غربیان و حتی شرقیان غیر مسلمانی هستند که زبان، عقاید و آداب مشرق زمین را مورد کاوش قرار داده‌اند (آربری، ۱۹۴۳، ص ۱۰؛ عبدالجبار ناجی، ۲۰۲۰، ص ۲۳). نتیجه این پژوهش‌ها، توصیف نهج البلاغه در قالب کلماتی است که از این اندیشمندان در حافظه علمی ثبت گردیده است. کاوش در سیر دگرگونی فرایند این پژوهش‌ها و بررسی آراء مستشرقان، علاوه بر اینکه ما را در شناخت فهم کلی آنها از نهج البلاغه یاری می‌دهد، وجوه تأثیرگذاری این کتاب ارزشمند از نگاه برون دینی را نیز به ما می‌نمایاند.

## ۲. پیشینه پژوهش:

در خصوص موضوع این تحقیق، پژوهش‌هایی نیز ارائه شده که برخی از آنها عبارتند از مقاله «پژوهش‌های خاورشناسان درباره نهج البلاغه» (احمدوند و کاوندی، ۱۳۸۷، ص ۳۳۰-۳۴۳)، «توثیق نهج البلاغه و تاریخه علی ضوء المعايير الأدبية والبلاغية: دراسة تحليلية لأول بحث غربی منهجی حول نهج البلاغة» (حسن‌نیا، ۱۴۳۹، ص ۳۵-۴۷) و «حیات علمی امام علی (علیه السلام) از منظر اندیشمندان» (احمدی، ۱۳۹۰، ص ۴۹-۷۰). اما با توجه به سختی انجام این نوع از تحقیق (به دلیل محدود بودن منابع در دسترس، مشقات پیش رو در ترجمه پژوهش‌های خاورشناسان که به زبان‌های گوناگون تألیف شده و در نتیجه وجود نقصان در انجام این‌گونه تحقیقات) و نیز کلی بودن موضوع برخی از این پژوهش‌ها نسبت به تحقیق حاضر، فقدان بررسی در خصوص چگونگی شروع، سیر تحولی و محتوای پژوهش‌های خاورشناسان و نظرات آنها مخصوصاً درباره نهج البلاغه مشهود است. لذا هدف پژوهش حاضر، بررسی سیر تطور پژوهش‌های مستشرقان در خصوص نهج البلاغه و بازخوانی و نقد دیدگاه، آراء و نظرات آنها درباره این کتاب است.

## ۳. روش تحقیق:

این تحقیق بر حسب نحوه گردآوری داده از نوع توصیفی و براساس منابع کتابخانه‌ای انجام شده است. روش تحقیق در این پژوهش نیز از نوع تحلیل محتواست که برای بررسی محتوای آشکار

۱. این واژه، از مصدر «استشرق» در زبان عربی و از «شرق» به معنی محل طلوع خورشید گرفته شده است. وقتی گفته می‌شود «شَرَّق»، یعنی به سمت شرق رفت. (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۲۰، ص ۳۰۳؛ مصطفی‌ابراهیم، ۲۰۱۰، ج ۱، ص ۴۸۲). حرف (سین) در واژه استشرق نیز، طلب را می‌رساند؛ یعنی طلب مطالعه و بررسی آنچه در شرق است (بهاء الدین، ۱۴۲۰، ص ۶).



پیام‌های موجود در یک متن استفاده شده که مهمترین کاربرد آن توصیف ویژگی‌های یک متن و همچنین استنباط جنبه‌های پیام است (سرمد، ۱۳۸۵، ص ۱۳۲). این روش تحقیق دارای دو مرحله اساسی است که عبارتند از: بررسی مواد (پیام) و پردازش نتایج. پیام‌ها در این تحقیق عبارتند از نظرات و شروح مستشرقان بر نهج البلاغه که مورد پردازش و نتیجه‌گیری قرار می‌گیرد.

#### ۴. سیر تحول پژوهش‌های مستشرقان در خصوص نهج البلاغه

تا قبل از قرن پانزدهم، مطالعات زبان عربی در اروپا در مهجوریت به سر می‌برد. تا اینکه در قرن ۱۶، کلیسا برای تبلیغ و ایجاد وحدت میان کلیساهای شرق و غرب، اجازه تأسیس کرسی‌های استادی زبان‌های عربی، عبری و کلدانی را در دانشگاه صادر کرد (حسن نیا، ۱۴۳۹، ص ۳۸). مطالعات دانشگاهی در زمینه شیعه‌شناسی نیز در اروپا با تأسیس کرسی زبان عربی در دانشگاه‌های آکسفورد، در نیمه اول قرن هفدهم میلادی آغاز گردید (Kohlberg, 1987, p: 40). این مطالعات اگرچه به صورت پراکنده در قرن بعد نیز ادامه یافت، اما هنگامی به اوج خود رسید که منافع کشورهای استعماری غرب در خاورمیانه و سرزمین‌های اسلامی ایجاب نمود تا برای شناخت هر چه دقیقتر این جوامع، مطالعات روش‌مند و مستمری را در زمینه اسلام و مذاهب اسلامی سامان دهند (تقی‌زاده، ۱۳۸۵، ص ۸). در این زمان برخی از مشاهیر خاورشناس، مثل انتوان ایزاک دو ساسی<sup>۱</sup> (شیخ المستشرقین الفرنسيین<sup>۲</sup>، متوفی ۱۸۳۸م) و شاگردان او که از جمله عربی‌دانان مهم غربی محسوب می‌شدند برای تعلیم و تعلم زبان عربی، به متون برجسته ادب عربی علاقه‌مند شدند که طبیعتاً نهج البلاغه نیز در زمره آن‌ها بود. در واقع در این دوران، مهم‌ترین علت توجه مستشرقان به نهج البلاغه به عنوان یک متن عربی، اهمیت ادبی و زیباشناختی آن بود (رک: احمدوند و کاوندی، ۱۳۸۷، ص ۳۳۳). از نظر برخی مانند کارل بروکلمان<sup>۳</sup>، آغاز ترجمه و نشر آثار و اشعار منسوب به امام علی (علیه السلام)، حتی مربوط به قرن پانزدهم میلادی است. اما اولین اثر قابل بررسی در این زمینه، کتاب مستشرق هلندی «ژولیوس جاکوب»<sup>۴</sup> در سال ۱۶۲۹ به نام «شذرات الأدب من کلام العرب» بود که بدون اینکه نام خود را بر روی کتاب ذکر کند در لیدن منتشر و

1. Antoine Isaac Silvestre de Sacy

2. موسوعة المستشرقین، عبد الرحمن بدوی، ۱۹۹۲، ص ۵۲

3. Carl Brockelmann

4. Julius Jakob



ترجمه برخی حکمت‌های امام علی (علیه السلام) را نیز به همراه داشت (عقیقی، ۱۹۲۶، ج ۲، ص ۳۰۴). سپس از مستشرق هلندی دیگری نیز به نام «گراردیوس کوپیرس»<sup>۱</sup>، دو کتاب «غرر الحکم و درر الکلم» در سال ۱۷۷۴ م و «دیوان الإمام علی بشروح لاتینیه» در سال ۱۷۴۵ م در لیدن منتشر شد (مجله الموسوم، ۲۰۰۶، العدد ۷۱ و ۷۲). با این حساب، نهج البلاغه جزء اولین آثار ادبی زبان عربی است که در غرب مورد توجه قرار گرفت. آثار دیگری که با نگاه ادبی به نقل و ترجمه آثار منسوب به امام علی (علیه السلام) پرداخته و منتشر گردیده اند عبارتند از: «حکم علی بن ابی طالب» از مستشرق هلندی کورنیلوس فان فینین<sup>۲</sup> در سال ۱۸۰۶ م، «أمثال علی» از مستشرق آلمانی یوهان گوستاو استیکل<sup>۳</sup> در سال ۱۸۳۴ م، «ترجمه مطلوب کل طالب فی کلام علی بن ابی طالب (علیه السلام)» از مستشرق آلمانی هاینرش فلاشر<sup>۴</sup> در سال ۱۸۳۷ م، نقل و ترجمه ۱۶۹ مورد از کلمات حکیمانه امام علی (علیه السلام) در کتاب «تاریخ سارازن‌ها» از مستشرق انگلیسی سیمون اوکلی<sup>۵</sup> در سال ۱۸۹۴ م و «کلمه یونانیه علی لسان صهر محمد» از مستشرق فرانسوی هوداس<sup>۶</sup> در سال ۱۹۰۱ (Ockley, 1894, P: 339; Donaldson, 1933, P: 50) عقیقی، ۱۹۲۶، ج ۲، ص ۳۶۵: مجله الموسوم، ۲۰۰۶، العدد ۷۱ و ۷۲ و عتابی، ۲۰۱۸، ص ۷۴).

بررسی متون نهج البلاغه، منحصر به جنبه ادبی آن نماند بعدها مستشرقان مشهوری چون ایگناتس گلدتسهیر<sup>۷</sup> (Goldziher, 1968, II, pp: 2, 9, 10, 51-53)، تئودور نولدکه<sup>۸</sup> (Noldeke, 1909, P: 19) نیز پژوهشهایی را، هر چند اندک، در باب سخنان امام علی (علیه السلام)، اعتبار تاریخی نهج البلاغه و ... به سامان رساندند که باعث توجه بیشتر جریان خاورشناسی به نهج البلاغه گردید. با شروع تلاش غربیان در باب حدیث پژوهی شیعه، همزمان با مطالعات عمومی و تاریخی حدیث نزد مستشرقان که از دوره میانی قرن بیستم آغاز شد، نهج البلاغه نیز به صورت جدی با اهداف و جنبه های

۱. Girardius Kuibers .

۲. Cornelius van Waenen .

۳. Johann Gustav Stickel .

۴. Heinrich. Leberecht Fleischer .

۵. Simon Ockley .

۶. (Houdas)

۷. ایگناتس گلدتسهیر (متوفی ۱۹۱۲) خاورشناس مشهور مجارستانی که او را از پایه‌گذاران اسلام‌شناسی نوین در اروپا می‌دانند.

۸. تئودور نولدکه (متوفی ۱۹۳۵) خاورشناس مشهور آلمانی که او نیز از پایه‌گذاران اسلام‌شناسی نوین در اروپا است.



دیگری مورد بررسی و پژوهش قرار گرفت. یکی از آغازگران این جریان قرن بیستمی، کلمان هوار<sup>۱</sup> است. برای نمونه او در مقاله «نهج البلاغه» قضاوت‌های امام علی (علیه السلام) را با قضاوت‌های داوود و سلیمان (علیهم السلام) مقایسه می‌کند و ستایش‌های شرقیان را نسبت به نهج البلاغه عنوان می‌دارد. با این همه، او ادعای بدون تاریخ بودن این متون را مطرح و در انتساب کلمات به امام علی (علیه السلام) تردید می‌کند (عبدالجلیل، ۱۳۷۶، الجزء الأول، ص ۱۸۳).

با پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۹۷۹ م و به جهت تأثیری که این انقلاب شیعی بر پایان دادن به سلطه استعماری غرب و شرق گذاشت، توجه همگان، به ویژه پژوهشگران غرب به مکتوبات شیعی معطوف شد. مطالعه اجمالی در عناوین و موضوعات نگارش شده در سالهای بین پیروزی (۱۹۷۹) تا دو دهه پس از پیروزی انقلاب تا ۲۰۰۰ م نشان از چرخش موضوعات و مطالعات در پژوهش‌های غربیان در حدیث شیعه است. البته، این بررسی‌ها در ابتدا تنها به چند کتاب اصلی و مهم محدود شد. در این میان دو کتاب مهم نهج البلاغه و صحیفه سجادیه که هر کدام در بردارنده روایات و گفتارهایی از دو امام شیعی است مورد توجه اولین پژوهش‌ها در این حوزه بودند (Chittick, 1987, p: 82).

در مورد نهج البلاغه، این بررسی‌ها همچنان جنبه ادبی، اخلاقی و حکمی خود را حفظ کرد. اما در مقابل، بخشی از پژوهش‌ها همانند گذشته با دیده شک و تردید به نهج البلاغه یا بخشی از آن نگریستند. به عنوان مثال موريس دموپين (مستشرق آلمانی) در کتاب مستخرجه از رساله دکتری خود به نام «النثر الفنی فی القرن الرابع» کلاً نهج البلاغه را ساخته سید رضی دانسته (عتابی، ۲۰۱۸، ص ۹۰). یا ادوارد فاندیک (مستشرق آمریکایی) و راهب فیگالی (مستشرق فرانسوی) که در انتساب نهج البلاغه به امام علی (علیه السلام) تشکیک کرده است (Figalli, 1994, p: 21). اما مستشرق دیگری به نام لویی ماسینیون (اسلام شناس فرانسوی) با اینکه نهج البلاغه کلام امام علی (علیه السلام) دانسته، اما معتقد است سید رضی در برخی از خطب و حکم آن تصرفاتی داشته است (العاملی، ۱۹۸۳، ص ۳۳). سیدمحمد وارث حسن (نهج البلاغه پژوهش ساکن غرب)<sup>۲</sup> با مطالعه این آثار، عمده این تردیدها را شامل تردید به کل کتاب یا

۱. Clement Huart

۲. وی از جمله محققان و اندیشمندان بزرگ مسلمان و شیعی است که شهرتش در غرب بیشتر است تا شرق. وی بیش از هر چیزی بر نهج البلاغه متمرکز شد و زمانی که برای تحصیل در دانشگاه ادینبورگ اسکاتلند به سر میبرد، رساله دکتری خود را در این موضوع با عنوان تحلیل انتقادی نهج البلاغه نوشت. این تحقیق در شش فصل و ۲۵۹ صفحه تنظیم شده است؛ فصل اول به معرفی نهج البلاغه و بررسی انتقادی آن، هدف پژوهش و شرح مختصری بر زندگانی گردآورنده نهج البلاغه اختصاص یافته



قسمتی از آن از حیث سندی یا بر اساس زبان و اصطلاحات مطرح شده در کتاب، تردید در برخی از نظریات آمده در کتاب و تردید در گردآورنده کتاب (برخی آن را به شریف رضی و برخی به برادرش سیدمرتضی نسبت می‌دهند) دانسته است (Waris, 1979, p: 25).

می‌توان گفت این تردیدها اولین بار توسط ابن خلکان اربلی (م ۶۸۱ هجری) در «وفیات الاعیان» مطرح شد که گفت: «قد اختلف الناس فی کتاب نهج البلاغه المجموع من کلام الإمام علی بن ابی طالب، رضی الله عنه، هل هو (الشریف المرتضی) جمعه أم جمع أخیه الرضی وقد قيل: إنه ليس من کلام علی، وإنما الذی جمعه ونسبه إليه هو الذی وضعه، والله أعلم»<sup>۱</sup> (اربلی، ۱۹۰۰، ج ۳، ص ۳۱۳). این نظریه گرچه با عبارت «والله أعلم» ختم شده و از این جهت فاقد اعتبار علمی می‌باشد، اما بعدها توسط برخی دیگر از قبیل ابن تیمیه (م ۷۲۸ هجری)، شمس الدین ذهبی (م ۷۴۸ هجری) (۱۳۸۲، ج ۳، ص ۱۲۴)، صفدی (م ۷۶۴ هجری) (۱۴۲۰، ج ۲۰، ص ۲۳۱) و ابن عماد حنبلی (م ۱۰۸۹ هجری) (۱۳۹۹، ج ۳، ص ۲۵۶-۲۵۷) با استناد به فقدان سندی نهج البلاغه تکرار و مستمسک دست مستشرقان شد. سیدمحمد وارث حسن نیز در تحقیقات خود به این موضوع اشاره و به گروهی از محققان سال‌های اخیر از قبیل هوار<sup>۲</sup>، گیب<sup>۳</sup>، هالم<sup>۴</sup> اشاره کرده و تصریح می‌کند که در نقدهای خود دنباله رو ابن خلکان هستند (Waris, 1979, p: 45-47). نکته قابل ذکر اینکه این تشکیک‌ها و تردیدها خود امری برکت‌زا بوده و موجب شده است تا در خصوص شناسایی اسناد و مدارک نهج البلاغه تحقیقات ارزشمندی صورت گیرد و در نتیجه تا کنون برای ۱۴۰ خطبه از ۲۳۹ خطبه و ۶۲ نامه از ۷۹ نامه و ۳۴۰ حکمت از ۴۷۲

است. در فصل دوم ضمن نگاهی ادبی به این کتاب شریف، به نقدهای متقدم و متأخر درباره اصالت آن، پیش زمینه دینی و سیاسی این انتقادات و مروری کوتاه بر برخی از تفاسیر نهج البلاغه پرداخته شده است. فصل سوم شامل سخنان حضرت در کتب تاریخی متقدم در قیاس با نسخه‌های موجود در نهج البلاغه است. فصل چهارم به بررسی پیشینه ادبی نهج البلاغه در دو بخش ادبیات پیش از اسلام و قرآن کریم می‌پردازد. فصل پنجم عهده دار بررسی سبک شناسانه نهج البلاغه از منظر وجود سجع، مجاز، تشبیه، مقابله و مطابقت، و زبان نهج البلاغه است و فصل ششم به نتیجه‌گیری اختصاص یافته است.

۱. ترجمه: مردم در مورد جمع کننده کتاب نهج البلاغه اختلاف دارند که سید مرتضی آن را جمع کرده یا برادرش سید رضی و گفته شده که کلام علی عليه السلام نیست، بلکه آن کسی وضعش کرده که کتاب را جمع آوری و آن را به علی عليه السلام منسوب نموده است. والله أعلم.

۲. Clement Huart

۳. H. A. R. Gibb

۴. Heinz Halm



حکمت آن سند و مأخذی از مصادر شیعه و سنی قبل یا همزمان و یا بعد از تألیف نهج البلاغه به دست آمده است (جعفری، ۱۳۶۴، ص ۹۳؛ دشتی، ۱۳۷۰، ص ۱۷۰، معارف، ۱۳۸۸، ص ۲۱۲).

یکی دیگر از انتقاداتی که توسط برخی از مستشرقان از قبیل گلدزیهر، والیری و لامنس با توجه به محتوای نهج البلاغه (نظیر خطبه ۴۱، ۲۰۰ و ...) مطرح شده، موضوع ضعف در تدبیر امور سیاسی و حکومت داری علی (علیه السلام) می باشد (Bearman & et al, 1995, vol 7, p: 427). این اتهام ضعف در زمان حیات خود امام (علیه السلام) هم مطرح بود و ایشان ایراد شبهه را قضاوت بر اساس مظاهر دنیوی، نه بر اساس اصول و مبانی دینی و ارزش های اسلامی دانسته و آن را به زیبایی پاسخ داده اند. به عنوان مثال امام (علیه السلام) در خطبه ۴۱ می فرماید:

«وَلَقَدْ أَصْبَحْنَا فِي زَمَانٍ قَدِ اتَّخَذَ أَكْثَرُ أَهْلِهِ الْعُدْرَ كَيْسًا وَنَسَبَهُمْ أَهْلُ الْجَهْلِ فِيهِ إِلَى حُسْنِ الْحَيْلَةِ، مَا لَهُمْ قَاتِلَهُمْ اللَّهُ، قَدِيرِي الْحَوْلِ الْقَلْبِ وَجَهَ الْحَيْلَةِ وَدُونَهَا مَانِعٌ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ وَنَهْيِهِ، فَيَدْعُهَا رَأْيَ عَيْنٍ بَعْدَ الْقُدْرَةِ عَلَيْهَا، وَيَتَهَنُّ فُرُوسَتَهُمَا مِنْ لَأَحْرَبِيَّةَ لَهُ فِي الدِّينِ: مَا فِي زَمَانِي زَنْدِغِي مِي كَنِيمِ كِه بِيَشْتَرِ مَرْدَمِش بِيَوْفَابِي وَغَدْرًا كُونِهْ اِي كِيَاَسْتِ مِي شَمْرَنْدِ وَنَادَانَانِ نِيَز، چنين مردمی را زيرك و كارگشا مِي خوانند. اينان چه سودی مِي برند خدايشان نابود كند. مردم كار افتاده و زيركي هستند كه مِي دانند در هر كاري چه حيلت سازند، ولي امر و نهی خداوندى سد راه آنهاست. اينان با آنكه راه و رسم حيله گرى را مِي دانند و بر انجام آن توانايند، گرد آن نمي گردند. تنها كسانی كه از هيچ گناهی پروايشان نيست، همواره منتظر فرصت اند تا در كار مردم حيلتي به كار برند» (خطبه ۴۱).

ایشان در جای دیگر (خطبه ۲۰۰) می فرمایند:

«وَاللَّهِ مَا مُعَاوِيَةُ بِأَذْهِي مَتِي وَلَكِنَّهُ يُغْدِرُ وَيُفْجِرُ وَأُولَاكَرَاهِيَةَ الْعُدْرِ لَكُنْتُ مِنْ أَذْهِي النَّاسِ: به خدا سوگند معاويه از من سياستمدارتر نيست، ولي او نيرنگ مِي زند و مرتكب گناه مِي شود، اگر نيرنگ و پيمان شكني ناپسند و ناشايسته نبود من از سياستمدارترين مردم بودم»

ناگفته نماند که بر خلاف نظر افرادی نظیر گلدزیهر، والیری و لامنس، شیوه حکومت داری علی (علیه السلام) در منظر برخی دیگر از مستشرقان نه تنها ضعیفی ندارد، بلکه الگویی مثال زدنی برای عدالت خواهان جهان به شمار می رود

بخش دیگری از فعالیت اخیر مستشرقان درباره نهج البلاغه، موضوع ترجمه آن است. در این رابطه، به دلیل اقبال مستشرقان به مطالعه نهج البلاغه، ترجمه های متعددی از این اثر ارزشمند در غرب





تدوین گردید. چنانکه بنا بر بررسی دکتر رکسانا مارکوت<sup>۱</sup>، از ترجمه‌های غربی نهج البلاغه موجود در کتابخانه ملی استرالیا<sup>۲</sup>، حدود پنجاه ترجمه کامل و یا بخش‌هایی از نهج البلاغه، تنها به زبان انگلیسی و گاه فرانسوی، به چشم می‌خورد. در حالی است که اکنون نهج البلاغه به سی زبان زنده جهان ترجمه شده (Dictionary of literary Biography. Vol: 47, P: 311). البته باید به این نکته اشاره کرد که بخش قابل توجهی از این ترجمه‌ها، توسط مسلمان شاغل در غرب یا تحت تأثیر ترجمه‌های آنها صورت پذیرفته است.

#### ۵. آراء مستشرقان درباره نهج البلاغه

همان طور که گفته شد، نهج البلاغه از ابتدا به عنوان يك کتاب ادبی-حکمی نظرات مستشرقان را به خود جلب کرد. به همین دلیل و نیز از منظر برون دینی، تقریباً همه آراء مستشرقان حول همین محورها ابراز شده است. این ستایش‌ها را می‌توان در قالب دو دسته بیان نمود. بخشی از این ستایش‌ها مربوط به جنبه ادبی و مخصوصاً موضوع فصاحت و بلاغت کلام علی (علیه السلام) و بخش دیگر مربوط به جنبه‌های معرفتی از قبیل حکمی، فلسفی و ... نهج البلاغه می‌باشد.

#### الف) جنبه‌های ادبی:

در این زمینه می‌توان گفت اکثر مستشرقانی که به مدح نهج البلاغه از دیدگاه فصاحت و بلاغت پرداخته‌اند، عمدتاً مسیحیان عرب‌زبانی بوده‌اند که با ظرافت‌های معنایی زبان و ادب عربی آشنایی کامل داشته‌اند که این مطلب قابل انتظاری است. زیرا فصاحت که عبارت است از خالی بودن کلام از حروف و کلمات نامأنوس، بدآهنگ و ناموزون و همچنین تعبيرات سبک، ناهماهنگ و مبهم؛ و بلاغت که عبارت است از تناسب کلام با مقتضای حال و هماهنگی کامل با هدفی که سخن به خاطر آن گفته می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶، ج ۸، ص ۱۱۴) موضوعی است که جز با آگاهی به ظرافت‌های بیانی و محتوایی زبان، قابل تشخیص نبوده و درک آن برای عموم سخت است. به همین دلیل این جنبه از مظاهر زیباشناختی نهج البلاغه را مستشرقان عرب زبان بهتر درک کرده‌اند.

خلیل فرحات، محقق، شاعر و نویسنده مسیحی لبنانی در کتاب معروف خود به نام «فی محراب علی» سخنان امام علی (علیه السلام) را به عنوان تیغه شمشیری معرفی می‌کند که هرگز کند نمی‌شود. وی می‌گوید:

۱. Roxanne Marcotte .۱

۲. <http://Nla.gov.au/lanbd.b.b-an/NahjulBalagha> .۲



«کلمات شما مانند شمشیری است که تیغ آن هرگز خنثی نمی‌شود، آنها به اندازه ذوالفقار تیز و برنده هستند» (فرحات، ۱۹۹۰، ص ۱۰۸)

جورج جرداق در مقدمه‌ای که برای کتابش «روائع نهج البلاغه» نوشته، درباره جایگاه ادبی نهج البلاغه در میان مبادی زبان عربی می‌نویسد:

«نهج البلاغه در مبادی زبان عربی پس از قرآن جای می‌یابد و اساس این زبان در طول سیزده قرن پیاپی بر شالوده آن شکل گرفته و از آن بهره مند شده است. علی گذشته و آینده بیان را به هم پیوند زد و زیبایی ادب جاهلی را با جادوی فصاحت پیامبر ﷺ جمع کرد و از این رو گفته اند که سخنش از کلام خالق پایین تر و از کلام همه مخلوقات بالاتر است و این تعجیبی ندارد، زیرا همه ویژگی‌های لازم برای رسیدن به این جایگاه در او گرد آمده بود. چراکه از یک سو در محیطی تربیت یافت که صفای فطرت او را محفوظ می‌داشت و با داناترین مردمان یعنی محمدین عبدا... زندگی کرد و همه قدرت و حرارت رسالت پیامبر ﷺ را از او دریافت کرد، این همه جدا از استعدادهای حیرت‌زا و توانمندی‌های شگفت‌انگیز او بود... اما هوش سرشار او چیزی است که در هر عبارت و کلمه نهج البلاغه آشکار است» (جرداق، ۱۹۹۶، ص ۱۰).

پولس سلامه<sup>۱</sup> شاعر مسیحی لبنانی در بخشی از سروده‌اش درباره امام علی (علیه السلام) چنین می‌سراید:

«ای امیر سخن، کلمات و بیان من در برابر شما سر تعظیم فرود می‌آورند / همانطور که شعر من در مقابل بیان شما سنگ ریزه‌ای بیش نیست... نهج البلاغه تو همه ثروت‌های ادبی را گرد آورده و همه قاموس‌ها ریزه خوار تو هستند. روزگار می‌گذرد و کهنه می‌شود، اما قلم‌هایی که از کاوش معدن کلمات کلامی بنگارند ماندگار می‌شوند» (Salameh, 1961, p: 12).

ریموند قاسیس<sup>۲</sup>، یکی دیگر از ادیبان لبنانی مسیحی است که نامه امام علی (علیه السلام) به مالک یکی از فرازهای نهج البلاغه است که توجه این شاعر را به خود جلب کرده و ضمن تمجید از کلیت کتاب، درباره آن می‌گوید:

«نهج البلاغه روشن‌ترین چراغی است که به هر شاعر مشتاقی نور می‌بخشد. نهج البلاغه مملو از است نوآوری و محتوای بدیع... اگرچه همه حروف آن مرا مجذوب خود می‌کند، اما این یکی (نامه امام علی (علیه السلام) به مالک) استثنایی است. من معتقدم که این نامه قوانین الهی را طوری بیان می‌کند که گویی

1. Paul Salameh

2. Raymond Qasis



مشک و ریحان معطر هستند ... اگر مردان قدرت عصر حاضر و آینده از دستورالعمل‌های این نامه روشن‌نگر به عنوان یک برنامه عملی، پیروی کنند شاهد این همه مصیبت‌هایی که بشر را رنج می‌دهد نیستیم» (Qasis, 1979, p: 56).

در پایان ذکر نکته‌ای شایسته به نظر می‌رسد و آن اینکه برخی از مستشرقان نا آشنا به زبان و ادبیات عربی، از جنبه ادبی به نهج البلاغه نقد وارد کرده‌اند. به عنوان مثال لائورا وچا والیری<sup>۱</sup>، مستشرق ایتالیایی در این رابطه می‌گوید:

«سخنان او به لحاظ صورت و شکل [ظاهری] مبهم بوده، تشخیص سخنان اصیل او از سخنان جعلی و منتسب به وی کار ساده‌ای نیست» (داوری، ۱۳۸۵، ص ۳۶)

هرچند که این نظر خود نظری مبهم است و روشن نیست که منظور او چیست؟! اما اگر مقصود وی مبهم شمردن سخنان علی (علیه السلام) باشد سخنی به دور از انصاف است، زیرا همانطور که درباره نظرات ادیبان عرب زبان آمد، یکی از ویژگی‌های برجسته آن حضرت قدرت بیان فوق‌العاده و منحصر به فرد ایشان است و فصاحت کلام امام (علیه السلام) همه فصیحیات عرب را به تعجب واداشته، چنان که او را امیر سخن نامیده‌اند. آنچه مسلم است، این نظر والیری ناظر به عدم آشنایی وی با زبان و ادب عربی بوده است.

(ب) جنبه‌های معرفتی:

یکی دیگر از جنبه‌های زیبایی شناختی نهج البلاغه که از منظر برون دینی مورد توجه مستشرقان قرار گرفته، جنبه حکمی، فلسفی، معرفتی و ... نهج البلاغه است. در این زمینه فرقی بین مستشرقان عرب زبان و غیر عرب زبان وجود ندارد. همه به فراخور درک خود از این چشمه جوشان معرفت سیراب شده و در این رابطه اظهاراتی داشته‌اند.

ادوارد گیبون تاریخ‌نگار انگلیسی درباره نهج البلاغه می‌نویسد:

«حکمتش اخلاقی و انسانی و مانند نسیمی است که هر انسان آن را تنفس می‌کند. خودش از تولد تا وفات حکیم بوده و حقاً مانند هارون دوباره‌ای بوده برای موسی، همانگونه که محمد (صلی الله علیه و آله) او را وصف کرده است» (WWW.BALAGHAH.NET).

سیمون اوکلی (مستشرق انگلیسی) در کتاب خود «جمل علی (حکمه الشرق)» می‌نویسد درباره

حکمت‌های نهج البلاغه می‌نویسد:

1. Laura Vacha Valerie



«تنها همین کلمات قصار کافی است که عرب را از تهمت جهلی که به آن منسوب بوده مبرا سازد»  
(العتابی، ۲۰۱۸، ص ۱۲۵).

شبیلی شومائل<sup>۱</sup> دانشمند کاتولیک و از طلایه داران نهضت زبان عربی که در مصر مجله «الشفاء» را بنیانگذاری کرد درباره حکمت کلام علی علیه السلام می گوید:

«پیشوا علی بن ابیطالب علیه السلام، بزرگ بزرگان، تنها اسوه‌ای است که نه غرب و نه شرق هرگز مانند او ندیده و نخواهد دید - چه در گذشته و چه آینده» (Sibli, 1962, p: 53).

لگن هاوزن (نویسنده آمریکایی) درباره نهج البلاغه می گوید:

«هنگامی که نهج البلاغه ای را که سید رضی از کلام امام علی علیه السلام جمع آوری نموده مطالعه می‌کنم، شخصیت سیاسی، عرفانی و اجتماعی امام علی علیه السلام مرا به اعجاب وا می‌دارد». (WWW.BALAGHAH.NET)

پرفسور کرنی کُی<sup>۲</sup> استاد دانشگاه هند می گوید:

«نهج البلاغه برادر کوچک قرآن است. برای هر کسی که ممکن است مانند این برادر جوان بیاورد، بیاورد. نهج البلاغه فرصتی است برای تدبیر خردمندان در مورد برادر بزرگتر خود، قرآن کریم»  
(Keizoghani, 2016, p: 9).

هانری کرین می گوید:

«نهج البلاغه، پس از قرآن و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، بر هر منبع دیگری دارای اولویت است. اهمیت آن نه تنها به عنوان یک پایه کلی برای زندگی مذهبی شیعه، بلکه برای زندگی فلسفی و فکری شیعه است. به همین دلیل می‌توانیم در نظر بگیریم نهج البلاغه به عنوان یکی از مهمترین منابع آموزه‌ای می باشد که مورد توجه قرار گرفته است. تأثیر این کتاب به جنبه های تعلیمی آن مربوط می‌شود. ایجاد روابط منطقی در جهان، ایجاد یک رویکرد صحیح برای رسیدن به هدف، تشکیل یک نظام فلسفی کامل و زیبایی های زبانی» (Keizoghani, 2016, p: 7).

ژکس بن زاید<sup>۳</sup> نویسنده مسیحی اردنی درباره نقش نهج البلاغه در شکل‌گیری تفکرات و اندیشه‌های عربی چنین می گوید:

1. Sibli Sumayyil

2. krny koy

3. Rocks Bin Zayed Al Uzaizi

«اگر همه افراد جهان به خاطر نقش قرآن در شکل‌گیری عقلانیت و اندیشه مدیون قرآن باشند، بدون شک اندیشه هر فرد تحصیل‌کرده عرب مدیون نوشته‌های نهج البلاغه است ... هر کس می‌خواهد عقلانیت جوامع عربی و عرب را درک کند و راه درست حکومت در سرزمین‌های عربی را بفهمد مطمئناً باید نهج البلاغه را بخواند» (رکس عزیزی، ۱۳۹۳، ص ۲۰۶)

هنری لامنس<sup>۱</sup> که یکی از نقادان نهج البلاغه نیز می‌باشد، درباره جایگاه علمی امام (علیه السلام) در اسلام می‌گوید:

«برای عظمت علی (علیه السلام) همین بس که تمام اخبار و تواریخ علمی اسلامی، از او سرچشمه می‌گیرد. او حافظه و قوه شگفت‌انگیزی داشته است. همه علما و دانشمندان، اخبار احادیث خود را برای وثوق و اعتبار به او می‌رسانند. علمای اسلام از موافق و مخالف، مفتخرند که گفتار خود را به علی (علیه السلام) مستند دارند، چون گفتار او حجیت قطعی داشت و او باب مدینه علم بود» (علیقلی، ۱۳۷۹، ص ۵۲).

«جان نورمن هالیستر»<sup>۲</sup> نیز بعد از مطالعه نهج البلاغه درباره امام علی (علیه السلام) چنین می‌نویسد:  
 «اگر به قراری که شیعیان ادعا می‌کنند علی (علیه السلام) به اراده الهی خلیفه بلافصل پیامبر (صلی الله علیه و آله) تعیین شده بود، پس می‌بایست تعلیمات خاصی هم برای احراز این مقام از سوی محمد (صلی الله علیه و آله) دریافت کرده باشد ... [گفته‌هایش نشان می‌دهد] علی از هرکس دیگر بیشتر با قرآن آشنا بود (هالیستر، ۱۳۷۳، ص ۲۰-۲۴).

کلمان هوار<sup>۳</sup> در مقاله «نهج البلاغه» قضاوت‌های امام علی (علیه السلام) را با قضاوت‌های داوود و سلیمان (علیه السلام) مقایسه می‌کند و ستایش‌های شرقیان را نسبت به نهج البلاغه عنوان می‌دارد (عبدالجلیل، ۱۳۷۶، الجزء الأول، ص ۱۸۳).

گابریل دانگیری<sup>۴</sup> مستشرق فرانسوی در کتاب «شهبسوار اسلام» بر گفته هوار صحه گذاشته و می‌نویسد:

«علی (علیه السلام) در زمینه قضایی، عهد جدیدی افتتاح نمود. در عهد خلفای سه‌گانه او در تمام مسائل بغرنج و پیچیده مورد استتشاره و استفتاء قرار می‌گرفت. قضاوت‌های متعددی از خلیفه چهارم به یادگار

1. Henri Lammens

2. John Norman Hollister

3. Clement Huart

4. Gabriel dankyry

مانده که جای آن دارد آنها را در شمار محاکمات بزرگ تاریخ قرار داد. علی‌البتداً نخستین کسی بود که بر ضد اصلی که از دیر زمانی معمول به قانون اروپایی است، یعنی حبس در مقابل بدهکاری، به مخالفت برخاست. پیش از علی‌البتداً قانون مدونی وجود نداشت». (دانگیری، ۱۳۵۴، ص ۲۵۱-۲۵۳).

#### ۶. نتیجه‌گیری

بر اساس نتایج این پژوهش، از قرن ۱۶ در غرب مطالعه زبان عربی با استفاده از برخی متون عربی از جمله نهج البلاغه شروع شد. در واقع تحقیقات درباره نهج البلاغه با رویکرد ادبی آغاز و مستشرقان این اثر ارزشمند را ابتدا به عنوان یکی از مبادی تعلیم زبان عربی مورد بررسی قرار دادند. به تدریج و در قرن ۲۰، محتوای بلند نهج البلاغه باعث شد که محققان نهج البلاغه پژوه به جنبه‌های حکمی، معرفتی و فلسفی آن نیز توجه نمایند و این اثر ارزشمند را از این جنبه‌ها مورد پژوهش قرار دهند. این روند پژوهشی با پیروزی انقلاب اسلامی ایران سرعت مضاعف گرفت. در این راستا تردیدهایی هم درباره نهج البلاغه شکل گرفت که عمدتاً پیرو تردیدهای عالمان سنی از ابن خلکان اربلی تا ذهبی و ابن تیمیه بودند. اما این تشکیک‌ها و تردیدها خود امری برکت‌زا بوده و موجب شده است تا در خصوص شناسایی اسناد و مدارک نهج البلاغه تحقیقات ارزشمندی صورت گیرد. در نتیجه این مطالعات و پژوهش‌ها، مستشرقان آراء و نظرات خود در توصیف نهج البلاغه را در قالب عبارتهای نسبتاً کوتاهی بیان کرده‌اند که ما را در شناخت فهم کلی آنها از نهج البلاغه یاری می‌دهد. این ستایش‌ها را می‌توان در قالب دو دسته ادبی و معرفتی تقسیم بندی نمود که نشان دهنده آن است که نهج البلاغه علاوه بر یک کتاب ادبی والا مقام، در زمینه معرفت‌های عقلی، فلسفی و معرفتی نیز از نگاه برون دینی جایگاه رفیعی دارد.

## منابع

۱. ابن خلکان، شمس‌الدین أحمد بن محمد، ۱۹۰۰م، *وفیات الأعیان وأنباء أبناء الزمان*، بیروت: دار صادر.
۲. ابن عماد حنبلی، ۱۳۹۹ق، *شذرات الذهب، فی أخبار من ذهب*، بیروت: دار المسیره.
۳. ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۱۴ق، *لسان العرب*، بیروت: دار صادر.
۴. آربری، آرتور، ۱۹۴۳م، *المستشرقون البريطانیون*، مترجم: محمد دسوقی، لندن.
۵. آل یاسین، سید تقی، ۱۳۹۲ش، *مستشرقین*، پرسمان دانشگاهیان، تهران.
۶. البدوی، عبد الرحمن، ۱۹۲۲م، *موسوعة المستشرقین*، بیروت: دار العلم المالیین.
۷. تقی زاده داوری، محمود، ۱۳۸۵ش، *تصویر امامان شیعه در دائرة المعارف اسلام*، قم: مؤسسه شیعه شناسی.
۸. جرداق، جورج، ۱۹۹۶م، *روائع نهج البلاغه*، قم: مرکز الغدیر للدراسات الاسلامیه.
۹. جعفری، محمدمهدی، ۱۳۶۴ش، *آشنایی با نهج البلاغه*، تهران: انتشارات امیرکبیر.
۱۰. دشتی، محمد، ۱۳۷۰ش، *شناخت نهج البلاغه*، قم: نشر امام علی (علیه السلام).
۱۱. ذهبی، شمس‌الدین محمد بن احمد، ۱۳۸۲ق، *میزان الاعتدال*، به کوشش: علی محمد البجاوی، بیروت: دار المعرفة.
۱۲. رشاد، علی اکبر، ۱۳۸۰ش، *دانشنامه امام علی (علیه السلام)*، تهران: قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۱۳. صفدی، خلیل بن ایبک، ۱۴۲۰ق، *الوافی بالوفیات*، به کوشش: أحمد أرناؤوط و ترکی مصطفی، بیروت: دار إحياء التراث.
۱۴. عاملی، حسین جمعه، ۱۹۸۳م، *شروح نهج البلاغه*، بیروت: مطبعه وزکو غراف الفکر.
۱۵. عبدالجلیل، ج. م.، ۱۳۷۶ش، *تاریخ ادبیات عرب*، ترجمه: دکتر آذرتاش، چاپ سوم، تهران: امیرکبیر.
۱۶. عتابی، عبدالحسین، ۲۰۱۸م، *نهج البلاغه فی الدراسات الاستشراقیة*، کربلا: العتبه الحسینیة المقدسه.
۱۷. عزیزی، رکس بن زائد، ۱۳۹۳ش، *امام علی (علیه السلام) شیر مرد و قدیس اسلام*، ترجمه: هاشم حمیدیان پور، علی رضا سمائی، میرعماد شریف، قم: دلیل ما.
۱۸. عقیقی، نجیب، ۱۹۲۶م، *المستشرقون*، قاهره: دارالمعارف بمصر.



۱۹. علیقلی، محمدمهدی، ۱۳۷۹ش، *سیمای نهج البلاغه*، تهران: انتشارات تاریخ و فرهنگ.
۲۰. فرحات، خلیل، ۱۹۹۰م، *فی محراب علی*، بیروت: مرکز الوثائق لتراث اهل البيت (علیهم السلام).
۲۱. قپانچی، سید حسن، ۱۴۲۷ق، *صوت الامام علی (علیه السلام) فی نهج البلاغه*، قم: احیاء التراث الشیعی.
۲۲. گابریل دانکیری، ۱۳۵۴ش، *شهبسوار اسلام*، ترجمه کاظم عمادی، چاپ پنجم، تهران: انتشارات سپهر.
۲۳. مجله الموسم، ۲۰۰۶م، *مجلة فصلية مصورة تعنى بالآثار والتراث*، رئیس تحریر: محمد سعید طریحی.
۲۴. مصطفی، ابراهیم و الزیات، أحمد و عبدالقادر، حامد و النجار، محمد، ۲۰۱۰م، *المعجم الوسیط*، قاهره: دار الدعوة.
۲۵. معارف، مجید، ۱۳۸۸ش، *تاریخ عمومی حدیث با رویکرد تحلیلی*، تهران: انتشارات کویر.
۲۶. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۸۶ش، *پیام قرآن*، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۲۷. ناجی، عبدالجبار، ۲۰۲۰م، *تطور الاستشراق فی دراسة التراث العربی*، بغداد: دار الجاحظ.
۲۸. هالم، هاینس، ۱۳۸۵ش، *تشیع*، ترجمه محمدتقی اکبری، قم: انتشارات ادیان.
۲۹. هالیستر، جان نورمن، ۱۳۷۳ش، *تشیع در هند*، ترجمه آزر میدخت مشایخ فریدنی، تهران: نشر دانشگاهی.
- پایان نامه و مقالات**
۳۰. احمدوند، عباس، کاوندی، سحر، ۱۳۸۷ش، پژوهش های خاورشناسان درباره نهج البلاغه، *مجله علوم حدیث*، دوره ۱۳، شماره ۴-۳ (۵۰-۴۹)، ص ۳۳۰-۳۴۳.
۳۱. اسعدی، مرتضی، ۱۳۷۶ش، مطالعات اسلامی در غرب انگلیسی زبان از آغاز تا شورای دوم واتیکان (۱۹۶۵م)، *مقالات و بررسی ها*، شماره ۶۲، ۶۷-۹۳.
۳۲. بروجردی، مصطفی، ۱۳۸۰ش، نگاهی به شرح های نهج البلاغه، *مجله علمی پژوهشی قبسات*، شماره ۱۹، ۴۳-۷۹.
۳۳. بهاء الدین، محمد، المستشرقون و الحدیث النبوی، *پایان نامه کارشناسی*، بغداد، دانشکده علوم اسلامی، ۱۴۲۰.
۳۴. حسن نیا، علی، ۱۴۳۹ق، توثیق نهج البلاغه و تاریخه علی ضوء المعاییر الأدبیه و البلاغیه: دراسة تحليلية لأول بحث غربي منهجي حول نهج البلاغه، *فصلية علمية - محكمة نصف سنوية دراسات حديثة فی نهج البلاغه*، السنة الأولى، العدد الأول، المتوالی ۱، ۳۵-۴۷.





۳۵. دهقان منگابادی، بمانعلی و غضنفری، زیور، ۱۳۹۵ش، بررسی سیر تاریخی پژوهش‌های خاورشناسان انگلیسی زبان درباره نهج البلاغه، *اولین کنفرانس بین‌المللی مطالعات اجتماعی فرهنگی و پژوهش‌دینی*، رشت.

۳۶. غضنفری، زیور، ۱۳۹۳ش، بررسی سیر تاریخی پژوهش‌های خاورشناسان انگلیسی زبان درباره نهج البلاغه (پایان نامه کارشناسی ارشد)، استاد راهنما: بمانعلی دهقان منگابادی، دانشگاه یزد.

37. Bearman P. J. & et al, Encyclopedia of Islam, the University of Michigan, 1995.

38. C.E.Bosworth, "Nahj al Balāgha (the way of Eloquence)" in The Encyclopedia of Arabic literature, edited by Julie. S. Meisemi and Paul Starkey, Routledge, London and New York, 1998

39. Chittick, William C, As-Sahifa Al-Kamilah Al-Sajjadiyya [The palms of Islam], a Translation: Introduction, Qum, Foundation of Islamic Cultural Propagation in the World, 1987.

40. Donaldson. D . M, shi'ite religion, luzac and company, London, 1933.

41. Goldziher, Ignaz, Muslim Studies, Aldine Publishing Company, 1968.

42. Haroun, G, Sibli Sumayyil, Une Pensee Evolutionniste arabe a l'epoque a'an-Nahda, Beirut (1985) which is available in French language; Hourani, A., Arabic Thought in the liberal age, 1798-1939, London.

43. <http://Nla.gov.au/lanbd.b.b-an/NahjulBalagha>.

44. Figalli, 1994, Paris Balagha - AL Nahj sur SultanEtude Jamil.

45. Keizoghani, Seyyed Mahdi, 2016, The Greatness of Nahj al-Balagha and the Words of Imam Ali from the Perspective of Modern Christian Figures, International Letters of Social and Humanistic Sciences. Vol. 69, pp 5-14.

46. Kohlberg, Etan, "Western Studies of Shi'a Islam", in Martin Kramer (ed.), Shi'ism, Resistance and Revolution, Boulder, Co: Westview Press, 1987.

47. WWW.BALAGHAH.NET

48. Noldeke, Theodor, Geschichte des Quran, (2nd edition), 1909.
49. Ockley, Simon, The History of the Saracen Empires, London, 1894.
50. Qasis, Raymond. Imam Ali : The wise jurist and knight, Zahlah, Dar al-Na'im, 1979.
51. Salameh, P. Eid al-Ghadir, Beirut, Dar al-'Andulus, 1961.
52. Waris Hassan, Syed Mohammad (1979-A), "The Stylistic Analysis of Nahjulbalagha", in al-Serat, vol.5(1), pp. 7-20.

